

## [اشاره به شأن نزول آیه]

در مقام شأن نزول احتمالات عدیده‌ای داده‌اند:<sup>۱</sup>  
برخی راجع به جنگ خندق و محاصره مدینه از جانب کفار- که مسلمانان به شدت در ناراحتی قرار گرفته بودند، دانسته و نزول آن را جهت تسلیت و تشویق ایشان به صبر و شکیبائی گفته‌اند؛

بعضی در مورد جنگ احد، هنگامی که فردی از منافقین ندا برآورد: که ای مردم تا کی به گفتار این مرد اعتماد و اعتنا کرده و به دنبال فرمان او حرکت می‌کنید؟ اگر او برحق است باید فتح و پیروزی نصیب شما می‌شد و کفار ریشه‌کن می‌شدند و نمی‌بایست شما تا این حدّ به رنج و تعب افتید و با این سخنان تبلیغ ضدّ دینی به راه انداخته مردم را اغفالمی نمود، که آیه نازل شد.

قول دیگر درباره مهاجرین از مکه به مدینه است که اموال و خانواده خود را رها کرده، جلاء وطن کردند و به هر حال آیه نوعی دلداری و تسلیت و تشویق به صبر در برابر ناملایمات و سختیها است.

﴿يسألونك ماذا ينفقون قل ما أنفقتم من خير فلولوالدين والأقربين واليتامى والمساكين وابن السبيل وما تفعلوا من خير فإن الله به عليم﴾ (۲۱۵).

از تومی پرسند چه چیز انفاق کنند، بگو: آنچه از نیکی هزینه کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و پدر مردگان و تهیدستان و درماندگان راه و آنچه احسانی که به کار بندید، پس همانا که خداوند به آن دانا است.

## [انفاق و بذل مال]

در آیه قبل از پایداری و ثبات در برابر گرفتاری و ناملایمات سخنی چند برفت، تا آدمی از هر مصیبتی که تکویناً برای او مقدر شده خود نبازد و با صبر و شکیبائی وظایف تشریحی را در برابر حوادث وارده انجام و حالت رضا و تسلیم را در همه امور

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۶.



## [اشاره به شأن نزول آیه]

در مقام شأن نزول احتمالات عدیده‌ای داده‌اند:<sup>۱</sup>

برخی راجع به جنگ خندق و محاصره مدینه از جانب کفار- که مسلمانان به شدت در ناراحتی قرار گرفته بودند، دانسته و نزول آن را جهت تسلیت و تشویق ایشان به صبر و شکیبائی گفته‌اند؛

بعضی در مورد جنگ احد، هنگامی که فردی از منافقین ندا برآورد: که ای مردم تا کی به گفتار این مرد اعتماد و اعتنا کرده و به دنبال فرمان او حرکت می‌کنید؟ اگر او برحق است باید فتح و پیروزی نصیب شما می‌شد و کفار ریشه‌کن می‌شدند و نمی‌بایست شما تا این حد به رنج و تعب افتید و با این سخنان تبلیغ ضد دینی به راه انداخته مردم را اغفالی نمود، که آیه نازل شد.

قول دیگر درباره مهاجرین از مکه به مدینه است که اموال و خانواده خود را رها کرده، جلاء وطن کردند و به هر حال آیه نوعی دلداری و تسلیت و تشویق به صبر در برابر ناملایمات و سختیها است.

﴿يسألونك ماذا ينفقون قل ما أنفقتم من خير فلولو الدين والأقربين واليتامى والمساكين وابن السبيل وما تفعلوا من خير فإن الله به عليم﴾ (۲۱۵).

از تومی پرسند چه چیز انفاق کنند، بگو: آنچه از نیکی هزینه کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و پدر مردگان و تهیدستان و درماندگان راه و آنچه احسانى که به کار بندید، پس همانا که خداوند به آن دانا است.

## [انفاق و بذل مال]

در آیه قبل از پایداری و ثبات در برابر گرفتاری و ناملایمات سخنی چند برفت، تا آدمی از هر مصیبتی که تکویناً برای او مقدر شده خود نبازد و با صبر و شکیبائی وظایف تشریحی را در برابر حوادث وارده انجام و حالت رضا و تسلیم را در همه امور

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۶.





ملحوظ و مرعی دارد. در این جا سخن از انفاق و بذل مال است که باز مستلزم گذشت و بردباری، در برابر هزینه کردن امور واجب و مندوبه است و بدین وسیله نیز، بندگان به آزمون گرفته می شوند.

### [شان نزول]

در شأن نزول [آیه] گفته اند: عمرو بن جموح انصاری که مردی متمکن و ثروتمند بود به حضور پیامبر شرفیاب و عرضه داشت: که چه چیز را انفاق کنم؟ آیه آمد که ای رسول ما:

﴿يسألونك ماذا ينفقون﴾ (۲۱۵).

از تومی پرسند که چه چیز را هزینه کنند:

﴿قل ما أنفقتم من خير﴾.

بگو: آنچه که از مال تمکن انفاق کنید:

﴿فللوالدين والأقربین والیتامی والمساکین وابن السبیل﴾.

پس برای پدر و مادر است و نزدیکان و پدر مردگان و خاک نشینان و درماندگان راه. یعنی: آدمی را وظیفه است که در خور توان و استعداد، برابر موازین و مقررات شرع و قوانین فقهیه نسبت به پرداخت حقوق واجبه و مندوبه، به همان ترتیب و اهمیتی که پروردگار مورد نظر قرار داده، کوشا و تسلیم باشد.

چه خرج نمودن از مال یا انفاق در معنای عام و وسیع خود، که عبارت است از: به مصرف رساندن هر گونه تمکن مادی و معنوی، اعم از قدرت، جاه و مقام و مال و منال و علم و آبرو و عزت و شوکت در راه رضای خدا، که باید همه را به نفع جامعه به کار برد و در برابر گذشت و هزینه ساختن هر يك خشنود و شکييا بود. سپس برای این که اتفاقات وجه خدائی و جنبه اخلاص و پاکدلی داشته و صرفاً برای رضای او باشد، نه کسب شهرت و مقام و یا نظریات شوم دیگر، فرمود:

﴿وما تفعلوا من خير فإن الله به عليم﴾.

۱. تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۴۷.

و آنچه از نیکی و احسان [از مال یا هر چیز دیگر] که بکار بندید، همانا که خداوند به آن دانا است .

یعنی: نه تنها ذره ای از هزینه ها از دیدگاه الهی مکتوم و پوشیده نیست، بلکه به کیفیت پرداخت و خرج نمودن و حتی نیات و نظر هائی که در این باره بوده، او را آگهی و دانائی است و هر يك به پاداش و مزد آن بر وفق نیت و رفتار خویش برسند .

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (۲۱۶) .

بر شما لازم شد پیکار و حال آن که او برای شما دشواری و ناخوشایندی است و شاید که چیزی را ناپسند شمرید، در صورتی که آن برای شما نیکو باشد و بسا که چیزی را دوست بدارید، در حالی که آن برای شما بد و ناگوار است و خدا می داند و شما نمی دانید .

### [مصادیق انواع صبر در آیات قبل]

این آیه چون آیه قبل از برخی وظایف که مستلزم استقامت و بردباری و از خود گذشتگی و جانبازی است گفتگومی کند، در آنجا سخن از انفاق مال بود و در این جا جان و آیات بعد کف نفس و ترك برخی از محرّمات و در واقع می توان گفت: که در این چند آیه مصادیقی از سه نوع صبر یعنی: صبر در مصیبت و شکیبائی در طاعت و بردباری و خویشتن داری از معصیت الهی، بیان گردیده است . و پیدا است در رأس همه ایستادگی و ابراز شهامت و شجاعت در برابر دشمن دین و مبارزه و پیکار تا مرز از کف دادن جان و نوشیدن شربت شهادت است لذا، فرمود:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كَرْهٌ لَّكُمْ﴾ (۲۱۶) .

بر شما لازم و واجب گشت رزم و نبرد و حال آن که شما را ناخوشایند است . زیرا به ظاهر شخص جان خود را در مخاطره می بیند و کسانی که پابند به زندگی دنیا و استفاده از مواهب آن هستند، به سادگی آماده نیستند که در برابر دشمن دین و خدا به مبارزه برخیزند و این گونه افراد دنیا دوست نوعاً از جنگ و پیکار گریزان و پیوسته تن به ذلت و بدبختی در می دهند، سپس آیه دنبال می شود که :





﴿وعسى أن تكرهوا شيئا وهو خير لكم﴾ .

و بسا این که شما را چیزی ناخوش آید، در صورتی او برای شما نیک است . که می توان گفت :

[قضاوت به ظاهر عمل، غیر صحیح است]

یکی از مصادیق مهم، همین پیکار با دشمن است چه، اگر مسلمین را کوتاهی و سستی یا روگردانی و فرار از جنگ با دشمن تحقق پذیر شود، مسلماً خواری و ذلت، پستی و ذنات و از دست دادن آبرو و حیثیت دامنگیرشان شده و بالاخره دین و دنیای خود را به نابودی و تاراج می کشند، در صورتی که اگر ثبات، پایداری و تحمل و شکیبائی بکار رود -ولو که جمعی از مسلمین به شهادت برسند؛ قانون و مکتب الهی حفظ و پا برجامانده، عزت و شرافت خویش را باز خواهند یافت، لذا اگر چه طبع هوس ران و جبون آدمی از نبرد گریزان و فراری است و انصراف و روگردانی از مبارزه را نیکوتر می انگارد، ولی خدای مهربان که به همه امور بندگان و سر نوشت ابدی ایشان آگاه است می فرماید: نه این است که شما می اندیشید، بلکه برخی امور اگر در نظر شما نیکو جلوه گر است بدانید که بد و به زیان شما است و به عکس نیز :

﴿وعسى أن تحبوا شيئا وهو شر لكم﴾ .

و بسا این شما چیزی را دوست بدارید و حال آن که او برای شما ناستوده و بد است . چون فرار از جنگ و بی میلی و بی علاقه در مبارزه و پیکار با دشمن، که سرانجام چنین اندیشه ای خواری و مسکنت و پستی و ذلت است .

بدیهی است این حقیقت نه تنها در مورد رزم با دشمن، بلکه در بسیاری از امور متحقق است چه، ما مردم نباید اسیر هواها و خواسته های خود شویم و پیدا است که آدمی از هر گونه شری - به فرض ترتب سودی هم بر آن؛ که خلاف عقل و خرد است چون دزدی، رشوه، ربا، احتکار، قمار، کم فروشی، غش هر چقدر هم که متضمن بهره های کلان باشد، باید خودداری و انصراف حاصل کند . و نیز گاه موارد چگونگی خیر و شر را تشخیص نمی دهیم و چه بسا کسب منافع شخصی - ولو از طریق حلال، تضادی

با منافع اجتماعی دارد، که مستلزم چشم پوشی از او است و نیز، در بسیاری امور نه تنها از جهت صلاح و فساد ما را بی خبری است بلکه از آثار و ثمراتی که بر آنها در نشئه آخرت مترتب است آگهی نیست.

لذا نیاز بشر به قانون و راهنما از جانب پروردگار حتمی و ضروری است که باید زندگی خود را بر وفق برنامه الهی که مبتنی بر خیر واقعی است قرار دهد؛ چه خداوند است که به همه امور آگاه و به مصالح و مفاسد فردی و اجتماعی ما بینا است پس میزان و ملاک در امور میل یا عدم میل آدمی نبوده و او را توان تشخیص خیر و شر به تمام جهات و جوانب نیست، لذا با توجه به آیه باید همواره در انجام وظایف صبور و کوشا بود و در برابر پیش آمدها خود نباخت و ایمان داشت که تحقق امور بر وفق مصلحت و حکمت خدائی استوار است و صلاح و خیر آدمی همانست که خدا خواسته و اراده فرموده است لذا، در پایان تذکر داد که:

﴿وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾.

و خداوند می داند و شما نمی دانید. یعنی: هیچ کس را به حقیقت امر و فرجام امور آگهی نیست، اگر فرضاً در نبرد با دشمن شهید شدید یا بر اثر اجرای فرمانی به ظاهر سودی از دست شما رفت یا تلخی و زبانی وارد بر شما شد، تمام در جهت تأمین سعادت ابدی شما است و نیز، برای هر يك مزد و پاداشی به آخرت حتمی و درخور است.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللّٰهِ وَكُفْرٌ بِاللّٰهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللّٰهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَمَا لِيكَ مِنْ شَيْءٍ لِّمَن ظَلَمَ﴾ (٢١٧)

تو را می پرسند از ماه حرام، پیکار در آن، بگو: نبرد در آن ماه بزرگ است [از نظر گناه] ولی بازداشتن از راه خدا و ناسپاسی به خدای [دستور شریعت] و جلوگیری از مسجد الحرام، و بیرون راندن اهل آن [مکه] از مسجد الحرام در نزد خدا [گناهی] بزرگتر

